



او همطراست



در این شماره می‌خوانید:

- < نفس مسیحایی
- < روش برای جهش
- < انقلابی برای انقلاب
- < آزموده را آزمودن خطاست
- < در کوچه پس کوچه های جهاد

ویژه نامه:

با موضوع مهدویت

مصاحبه:

با آقای دکتر طغیانی



باور اندیشه / ماهنامه سیاسی فرهنگی دانشجویی
 سال بیست و چهارم / شماره یکصد و بیست و هشت
 فروردین ماه ۱۳۹۹ / قیمت ۲۰۰۰ تومان اختیاری

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه های اصفهان و علوم پزشکی

مدیر مسئول: امین جان نثاری

سرمدیر: خانم نیکیار

همکاران این شماره:

آقایان: امین جان نثاری، علیرضا سلیمانی نژاد، محمد هادی بشیری، محمد هادی

و خانم ها: جندقیان، نقدعلی، شاددل، قاسمی، سلیمانی

طراح جلد: هادی نصر

صفحه آرا: هادی نصر

آدرس: اصفهان، میدان آزادی، دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی، جنب مصلى الغدير،

روبروی یاس ۱، دفتر مرکزی جامعه اسلامی دانشجویان

تلفن: ۰۳۱ - ۳۶۶۹۱۷۲۴

کد پستی: ۸۱۷۴۶ - ۱۸۱

پایگاه اینترنتی: www.jadesf.com

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۰۱۶۰۰۰۲



در این شماره می خوانید:

< نفس مسیحایی
< روش برای جهش
< انقلابی برای انقلاب
< آزموده را آزمودن خطاست
< در کوچه پس کوچه های جهاد

ویژه نامه:
با موضوع مهدویت

مصاحبه:
با آقای دکتر طغیانی



باور اندیشه / ماهنامه سیاسی فرهنگی دانشجویی
سال بیست و چهارم / شماره یکصد و بیست و هفت
فروردین ماه ۱۳۹۹ / قیمت ۲۰۰۰ تومان اختیاری



این نشریه تحت حمایت امور فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است.

این نشریه تحت حمایت امور فرهنگی دانشگاه اصفهان است.

انقلابی برای انقلاب
ویژه نامه مهدویت



جز رحمت چشمان تو دنیا چه می خواهد؟
ویژه نامه مهدویت



نفس مسیحایی
سرمقاله



آزموده را آزمودن خطاست
سیاسی



عباس، الگوی منتظران مهدی
ویژه نامه مهدویت



جامعه مهدوی
ویژه نامه مهدویت



جا مانده
اجتماعی



در کوچه پس کوچه های جهاد
اجتماعی



روش برای جهش
اقتصادی



نفس مسیحایی

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور / کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

امین جان نثاری



۹۹

مژده ای دل که مسیحا
نفسی می آید / که ز
انفاس خوشش بوی
کسی می آید / از غم
هجر مکن ناله و فریاد
که دوش / زده ام فالی و
فریادرسی می آید / کس
ندانست که منزلگه
معشوق کجاست / این
قدر هست که بانگ
جَرسی می آید

۶۶

دعا برای تعجیل فرج حضرت ولی عصر وظیفه‌ای بزرگ بر عهده تمامی شیعیان و دوستان ائمه اطهار است که می‌بایست این سنت پسندیده بین ایشان به صورت گسترده‌ای رواج یابد، و همگان به این برنامه مهم دینی توجه کامل داشته باشند، و یکدیگر را به آن وادار سازند و نجات دنیا و آخرت خود را در آن ببینند.

بسیار اتفاق افتاده که مردم دچار مشکلات و نابسامانی شوند. خداوند این کمبودها و فشارها را پیش می‌آورد تا مردم از خواب غفلت بیدار شوند و قدرت کامل دست غیب و قادر متعال را لمس کنند و با نهایت اشتیاق و اخلاص و تواضع به سوی حجت‌های الهی روی آورند واز گناهان خود توبه کنند و به عجز و درماندگی خویش اقرار نمایند.

جز خداوند کیست که آب گوارا و شیرین از آسمان فرو ریزد؟! و تشنگان را سیراب و مزارع را سرسبز و خرم و زمین‌های خشک را با طراوت و شاداب گرداند و روح تازه‌ای در اجزای گیتی بدمد؟!

از نماز و تضرع پیامبران و امامان و مردمان با ایمان در طلب باران واستجاب دعاى ایشان در طول تاریخ، حکایت‌های خواندنی و

شنیدنی فراوانی برجای مانده و نکته‌های بسیار ضبط گردیده است که این مقدمه مجال اشاره‌ای به آنها را هم ندارد.

البته عده‌ای هم در چنین مواقعی به یأس و ناامیدی دچار می‌گردند و به شکل‌های مختلف، از قبیل خودباختگی و کفرورزی و انکار ضروریات دینی و تمسخر مردان دینی و... واکنش‌های منفی از خود نشان می‌دهند.

نظیر همین وضع در مورد فقدان هر یک از نعمت‌های بزرگ، در هر جامعه‌ای پیش می‌آید و از جمله در جریان غیبت‌های انبیا و اولیا همواره پدید آمده است که بر اثر بعضی از گناهان بزرگ و ناسپاسی‌های مردمان نسبت به نعمت‌ها و آیت‌های خاص الهی، خداوند حجت خویش را از دیدگانشان پنهان داشته و از سعادت

و توفیق دیدار پیامبر و امام، عموم افراد

جامعه را محروم ساخته است. و چون مردم به سختی‌ها و تلخی‌ها دچار گشتند و راه را بر خود بسته دیدند، افراد هوشمند به فکر چاره افتادند و راه علاج و درمان درد را تنها به دست خداوند توانا دیدند، پس به درگاه خداوند چاره‌ساز بنده نواز، دست نیاز بلند کردند و به آستانه او پناه بردند و با دعا و نیایش و اظهار عجز، راهنمای ربّانی را خواستار شدند. خداوند دعای آن را به اجابت رساند و حجت اصلاح‌گر خویش را آشکار گردانید. امت مسلمان از این سنت حکیمانه الهی برکنار نیست، بنابراین تنها وسیله‌رهایی از تنگنای روزگار کنونی، و یگانه راه بیرون شدن و آزاد گشتن از این حصار جهنمی ظلم و بیداد و معصیت و فساد، دعای خالصانه عمومی برای آشکار شدن آن حجت بزرگ الهی و تنها مصلح و نجات بخش آسمانی و یکتا بازمانده کاروان مردان ربّانی، حضرت بقیه الله می‌باشد.

ویژه نامه مهدوی باور تلاش میکند شما را با ابعاد مختلف از دریای مهدویت آشنا سازد. به امید اینکه روزی در پیشگاه حضرتش شرمندانه نباشیم...



ویژه نامه مهدویت

« جز رحمت چشمان تو دنیا چه می خواهد؟

« انقلابی برای انقلاب

« جامعه مهدوی

« عباس، الگوی منتظران مهدی



نور آن حضری
که وجودش ثمن نامن است

جز رحمت چشمان تو دنیا چه می خواهد؟

«حالا که موسایم شدی راهی نشانم ده / غیر از نجات، این قوم از موسی چه می خواهد»

سرخوشیم که این‌ها همان مقدمات ظهور است، سرخوش ز دیدن روی یار. مگر نه اینکه مردمان جهان در جستجوی فرج و گشایش هستند اما غافل از اینکه فرج شماید، گشایش شماید. ماییم که بد کردیم... به خودمان، به تو، به آن‌ها که منتظران حقیقی کوی توهستند، به آن‌ها که برای یاری تو یار می‌طلبیدند و ما یاریشان نکردیم، و من می‌ترسم از روزی که بیایی و بگویی من منتظر تو بودم... منتظر تو... منتظر تا که تو بریزی، تا که تو بیایی! اگر تو می‌آمدی من می‌توانستم بیایم... من فقط منتظر تو بودم. نکند گرهی کور ظهور تو من باشم... وای بر حال زار من. عهد می‌بندم آماده کنم خودم را برای سربازی در رکابتان، تلاش خواهیم کرد برای ترک گناهایی که حایل‌اند میان من و شما، دست یاری به سمت بی‌پناهان دراز می‌کنم، گوش شنوا می‌شوم برای دل‌شکستگان، می‌نشینم کنار درماندگان... تا شاید... شاید روی من هم حساب کنی تا گرهی کور ظهورت نباشم، تا در سپاه تو، تا در کنار تو باشم. حتی اگر پیاده نظام هم باشم می‌خواهم که باشم.

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ
بِحَضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ
بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا...

بهاران آمده اما بهارش تویی... بیا ای بهار منتظران، بیا ای آرزوی مشتاقان، بیا ای امید ناامیدان، بیا ای پناه بی‌پناهان، سراپا گناهیم، می‌دانیم؛ غرق در گناهیم، می‌دانیم.
از تو دم می‌زنیم، از تو حرف می‌زنیم، تو را صدا می‌زنیم. اما صدایمان نمی‌رسد، حایل شده است میان تو و ما، گناهانمان... و ما می‌دانیم.
دست به دعا شده‌ایم اقرار می‌کنیم به گناهان خویش و مدام استغفار، ترس از روبه رو شدن با صاحبمان با کوله‌باری از گناه قرارمان را بی‌قرار کرده، ترس از خالی بودن دستانمان و شرمندگی در برابر آقایمان بی‌تابمان کرده...
شرمنده از عمری شعار، شرمنده از بی‌عملی، شرمنده از شرمندگی. ما منتظریم یا او به انتظار ماست، جهان به انتظار اوست یا اوست به انتظار جهان...
چه عمل‌ها که نداریم، چه ناله‌ها که نزدیم، چه دست‌ها که نگرقتیم، چه بی‌پناه که رها کردیم؛ اما چه ادعا که داریم و چه شعارها که دادیم. خودمان هم خسته‌ایم از این همه تناقض، به دامن برس ای فریادرس فریادخواهان.

با وجود دل‌تنگی‌ها و نفس کشیدن‌های بدون شما اما روزنه‌ی امید و شادی عمیقی در وجودمان جوانه زده،

سلام بر بهار دل‌ها، سلام بر منجی عالم، سلام بر پدر مهربانمان و سلام بر امام عصرمان.
غرق در بی‌قراری شده‌ایم، نفس‌هایمان به شماره افتاده، دل‌هایمان بی‌تاب، صبرمان لبریز و چشم‌هایمان خیره...
دل‌های عشاق تو را صدا می‌زنند؛ بیا... بیا و قراری باش بر دل‌های بی‌قرارمان. همه چشم به راهیم، جهان خسته از رنج و سختی، جهان در اضطراب، جهان در تلاطم، جهان تو را می‌خواند، جهان تو را می‌خواهد.
دنیا و مردمش در هر گوشه و کناری مضطرب و درمانده شده‌اند. با خود می‌گویم ای کاش این همان اضطراب همگانی باشد که وعده اش را به ما داده‌اند وای کاش بتوانیم با چشمان خودمان روزی را ببینیم که همگی فرج و گشایش را در فرج شما می‌دانند و فقط مهدی فاطمه (عج) را صدا می‌زنند و او را می‌خوانند تا بیاید و تمام وعده‌های هزار سال گذشته را محقق کند و جهان را گلستان کند.
ببینید که چطور از دنیای بی‌شما خسته شده ایم، اینجا ما بیشتر از همیشه منتظر شما نشسته ایم.
عالم شده‌ایم به ناتوانی خویش، اقرار می‌کنیم به نیازمندی خویش، زمین تشنه‌ی توست، زمین تو را می‌خواهد

”

شرمنده از عمری شعار،
شرمنده از بی‌عملی،
شرمنده از شرمندگی! ما
منتظریم یا او به انتظار
ماست؟ جهان به انتظار
اوست یا اوست به انتظار
جهان...

“

انقلابی برای انقلاب

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، از نهضت خمینی، محافظت بفرما

می‌کنیم که مولاجان کره زمین آماده قدوم مبارک شماست (خبر آنلاین / دکتر حبیبی). این نشان دهنده این است که اصلاً ما انقلاب کردیم برای ظهور و تا هنگامی که پرچم را به خود امام زمان نرسانیم از پای نخواهیم نشست. اما در این راه سختی‌های بسیاری وجود دارد. با استفاده از قرآن و احادیث می‌توان این گونه برداشت کرد که هر گروهی که خواهان حکومت الهی باشند باید آزمایش شوند. مانند قوم حضرت موسی، داوود، پیامبر اسلام و حضرت علی. همگی آنها در چهار مرحله از آزمایش با هم مشترک هستند. اولین آزمون اقتصادی است، شامل نبودن خوراکی، پوشاک، مسکن، تحریم و... که اوج آن‌ها در زمان شعب ابی طالب بر پیامبر وارد شد. آزمون دوم جهاد است، مانند جنگ‌های بدر، اُحد، خندق و... سومین آزمون حکمت است. مانند جریان جنگ صفین و در نهایت آزمون افراد مستجاب الدعوه. مانند فتنه سامری در بنی اسرائیل. مشاهده

جوان جامعه است؛ که باید با تبیین درست و دقیق، راه صواب به آنان نشان داده شود. در پاسخ به این سوالات باید عنوان کرد که انقلاب یعنی دگرگونی و پس از دستیابی به هدف نهایی آن، واژه انقلاب از آن ساقط می‌شود. چرا هنوز این واژه در ایران کاربرد دارد؟ باید گفت پاسخ در هدف نهایی این انقلاب است. «خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، از نهضت خمینی، محافظت بفرما» این از جمله شعارهای دهه ۵۰ و ۶۰ بود که تاکنون نیز ادامه دارد، و بعد از نمازها، در راهپیمایی‌ها و... بارها و بارها تکرار می‌شود. این شعار تاکید می‌کند که آرامش حقیقی انقلاب اسلامی ایران روز ظهور می‌باشد. در نقلی از مرحوم عسکر اولادی از امام خمینی آمده است که: من روزی از امام پرسیدم که هدف شما از این انقلاب چیست؟ امام گفت: که نهضت ما سه مرحله دارد. اول اسلامی کردن ایران، دوم اسلامی شدن جهان اسلام و سوم جهانی شدن اسلام. و آنگاه خدمت امام زمان عرض

در طول تاریخ و در سراسر کره زمین انقلاب‌هایی رخ داده که مطالعه و بررسی آنها برای عموم افراد خصوصاً قشر فرهیخته جامعه یعنی دانشگاهیان حاوی نکات پندآموزی است. انقلاب‌هایی نظیر روسیه، فرانسه، کوبا، شیلی و... اما یکی از این جنبش‌های مردمی در اینجا، یعنی ایران، با همه رویدادها و اتفاقات مشابه خودش کاملاً متفاوت است. انقلابی که بعد از حدود ۴۱ سال پس از پیروزی آن هنوز به آن انقلاب اسلامی می‌گویند! شاید تاکنون به این فکر کرده باشید که هر نهضتی بعد از پیروزی و تعیین حکومت به آرامش رسیده و سعی بر مستحکم کردن پایه‌های حکومت خود دارد، ولی انقلاب ایران بعد از این همه سال خود را انقلاب، یعنی دگرگون، می‌داند و به یک ساحل آرامش نرسیده است! اصلاً هدف این انقلاب چیست؟ دشمنان این جریان چه کسانی هستند؟ اصلاً مبنای دشمنی در این حرکت چیست؟ و غیره و غیره. اینها عمده سوالات ذهن قشر

علیرضا سلیمانی نژاد



”

نهضت ما سه مرحله دارد. اول اسلامی کردن ایران، دوم اسلامی شدن جهان اسلام و سوم جهانی شدن اسلام. و آنگاه خدمت امام زمان عرض می‌کنیم که مولاجان کره زمین آماده قدوم مبارک شماست.

“

می‌کنید که خداوند از هر قومی آزمون‌ها گرفته که در آن عده ای پیروز و عده ای شکست خورده‌اند. در اینجا باید متذکر شوم که چون امام زمان امام پیروز و منصور است (زیارت عاشورا)، خدای متعال این آزمون‌ها را قبل از ظهور و از آن قومی که داعیه دار تشکیل حکومت ولی معصوم هستند می‌گیرد. با یک بررسی ساده درمیابیم که ما ایرانیان برای ظهور قیام کردیم و همان چهار آزمون را خدا از ما هم گرفته یا خواهد گرفت. آزمون اقتصادی با تحریم‌هایی وحشتناک که در طول تاریخ بشریت سابقه نداشته همراه بود. آزمون جهاد که هشت سال جنگ تحمیلی ایران نه با عراق، بلکه با کل دنیا بود. باید یادآوری کنم که ایران از حدود ۲۶ کشور جهان اسیر گرفته بود (مصاف ایرانیان).

آزمون حکمیت که اوج آن‌ها در سال ۸۸ و در جریان فتنه ریاست جمهوری بود و در نهایت افراد مستجاب‌الدعوه یا همان کسانی که از وجهه دینی - مردمی برخوردار هستند و مخالف نظر ولی امر حکم می‌کنند. در کنار اینها باید کارهای نفوذی‌های داخلی و دشمن خارجی را هم در نظر گرفت. بگذارید مثالی برای شما بزنم. فرض کنید یک دوچرخه سوار در حال مسابقه با اتومبیل رانانی است که آنها در یک جاده صاف، ولی او در جاده خاکی و

سربالایی در حال رفتن هستند. در حین رفتن ناگهان ترمزها گرفته می‌شود و باز می‌شوند و بارها و بارها تکرار می‌شود ولی دوچرخه سوار باز به راه خود ادامه می‌دهد. وضعیت ما نیز هم اکنون، اینگونه است. در حالی که ما با تحریم‌ها و جنگ و... در حال دست و پنجه نرم کردن هستیم، نفوذی‌های داخلی گاهی مانع از پیشرفت ایران اسلامی می‌شوند. در حالی که می‌توانند خودروی خوب تولید کنند، ولی این کار را نمی‌کنند. می‌توانند از تصمیم‌های یک شبه و صبح جمعه‌ای خود خودداری کنند، ولی نمی‌کنند. می‌توانند ماهواره خوب بسازند، ولی نمی‌سازند و... کار به جایی رسیده است که «آفتابه لگن هفت دست، شام و نهار هیچی!» ما هدف اصلی خود را گم کرده ایم. باید گفت که انقلاب

اسلامی مانند یک نهالی بود که امام خمینی آن را در گلدان جمهوری اسلامی کاشت. حال آن نهال تبدیل به یک درخت شده که شاخ و برگ آن از اقیانوس هند تا دریای مدیترانه و نیجریه باز شده، ولی گلدان همچنان کوچک مانده است و اندکی تا شکستن فاصله دارد. باید جمهوری اسلامی، هم پای انقلاب اسلامی با قوانین درست و مدیران کارآمد و انقلابی رشد کند تا خود را برای

زمان و شخص وعده داده شده آماده کند. امام خمینی میگفت که اگر مسئولی در جمهوری اسلامی دغدغه ظهور نداشته باشد خائن است و کُلُّكُمْ مَسْئُولٌ! (صحیفه امام جلد ۱۷). در پایان می‌گوییم که باید با خدا باشیم نه با کدخدا. «كَانَ لِلَّهِ كَانِ اللَّهُ لَهُ» هرکس با خدا باشد خدا با اوست و قدرت خدا از همه بالاتر و بیشتر است، ولی گویا کسانی در مملکت اسلامی آن را قبول ندارند! خدای ما همان خدای بدر و احد و خندق است. خدایی که موسی را از دریا عبور داد، یونس را از شکم نهنگ بیرون کشید. همان خدای عملیات بیت المقدس و فتح المبین و مرصاد.

گر خدا یار است بر سلطان مپیچ /
گر خدا برگشت صد سلطان به هیچ



99

باید با خدا باشیم نه با کدخدا. «كَانَ لِلَّهِ كَانِ اللَّهُ لَهُ» هرکس با خدا باشد خدا با اوست و قدرت خدا از همه بالاتر و بیشتر است، ولی گویا کسانی در مملکت اسلامی آن را قبول ندارند!

66

جامعه مهدوی

جامعه مهدوی ایست دست یافتنی؛ حتی اگر معجزه ای درکار نباشد.

امام باقرمی فرمایند: هنگامی که حجت ما قیام می‌کند، به سبک داوود(ع) حکومت وداوری خواهد کرد وگواه و دلیل نخواهدخواست. امام صادق می‌فرمایند: حجت ما به هرمنطقه کاردانی پروا پیشه گسیل می‌فرماید وبه اومی گوید: برنامه تو کف دست توست. ازاین رو هرگاه کاری برایت پیش آمد که راه حل آن را نفهمیدی وقضاوت درآن را نشاناختی، به کف دستت نظاره کن وآنچه را نظاره کردی عمل کن(شاید منظور ارتباط آنلاین از نقاط مختلف است).

همچنین در روایاتی اشاره شده است که حضرت از معجزاتی وعلومی استفاده می‌کنند که تکنولوژی امروزی در برابر آن چیزی نیست.

موضوع دوم، پیامدهای اقتصادی است. امروز، اقتصاد دنیا دچار فقر، ربا، رشوه، دزدی، گرانی، رکود اقتصادی، تورم، بیکاری، انحصار، احتکار، سفته بازی، تبانی، سندبازی، عدم تعادل بین عرضه و تقاضا ودرک بازار، نبود ایده درست برای اداره جهان و... است. در زمان ظهور، آزادی فعالیت های اقتصادی سالم، افزایش بهره وری و پیشرفت روش های استخراج یا تبدیل وگسترش علوم و فنون رایج است. همچنین به برکت وجود ولی خدا در راس حکومت، خداوند بر بشریت عنایاتی می‌کند که پیش از این هم در زمان حکومت سلیمان و داوود و حضرت علی و امام حسن بوده

وشکست خورده رفتند پی کارشان! فاشیسم، کمونیسم، مارکسیسم، نازیسم و خیلی از این «ایسم» های دیگر به موزه های تاریخ پیوستند. به این نتیجه رسیدند که هیچ مکتب و دینی پاسخگو نیست. در همین زمان ناگهان از دل کشور ایران انقلابی شکل گرفت که می‌گوید هنوز پرونده اسلام باز است. بیاییم با هم کمی در رابطه با سیستم قضاوت و عدالت، اقتصاد، کشاورزی و امنیت اجتماعی جامعه مهدوی و مقایسه آن با شرایط کنونی جهان صحبت کنیم. اگر بخواهیم نگاه کلی به رویدادهای بعد از ظهور داشته باشیم می‌توان به:

۱- پائین کشیده شدن ظالمان و سلطه گران و اداره جهان به دست مستضعفان عالم. ۲- ایجاد دین واحد درحالی که آنین ها ودین های گوناگون جهان را فراگرفته است. ۳- زدوده شدن همه خرافات. ۴- تشکیل حکومت دینی به رهبری ولی معصوم. ۵- رسیدن به اوج معنویت و اخلاق. ۶- تغییر اولویت های زندگی وضاعقه مردم(داشتن نیازهای عقلانی)توجه کرد.

موضوع اول، عدالت و ضمانت اجرای قوانین الهی درحکومت مهدی(عج) است. در این دوره سیستم قضاوت، قضاوت باطنی است. دادستان وشاهد وسند و وکیل و... وجود ندارد. با یک نگاه تمام جرم محرز می‌شود و به محض وقوع جرم، مجرم مجازات خواهدشد.

حتما تاکنون در مورد اتفاقات باورنکردنی که پس از ظهور مهدی موعود(عج) در دنیا رخ می‌دهد؛ شنیده اید.

خوب است از خودمان بپرسیم که اصلا ظهور برای چیست؟ مگر قرار است با تحقق ظهور به چه چیزی برسیم؟ چگونه می‌توانیم باور کنیم که وقوع این رویدادها حتمی است؟ هرچند تا وقتی که از زندان غیبت رهایی نیابیم وعصر ظهور را درک نکنیم، نمی‌توانیم عظمت آن روزگار پر شکوه را که علم وآگاهی و عدالت وتوانایی سراسر گیتی را فرا می‌گیرد، به گونه کامل دریابیم ولی اشاره ای به برخی از ویژگی های جهان امروز ودر مقابل آن ویژگی های تمدن مهدوی خالی از لطف نیست.

در تاریخ، عموم فلاسفه براین باور بودند که زمانی بهشتی بر روی زمین به وجود خواهد آمد: ابونصر فارابی نظریه مدینه فاضله، افلاطون نظریه اتوپیا، مور نظریه بهشت زمین را مطرح می‌کنند و...

برداشتی که از تفکر غرب در سیصد، چهارصد سال اخیر می‌شود این است که واقعا غرب به دنبال یک ایدولوژی بوده که بتواند به کمک آن بهشت روی زمین را بسازند. مارکس به جامعه بدون طبقه فکر می‌کرد. جان لاک به یک لیبرالیسمی فکر می‌کرد که به واسطه آن آزادی محض برقرار شود. به قول خودشان رسیدن به برادری وبرابری و... بسیاری از این نظریه پردازها آمدند

محمد هادی بشیری



”

واقعا غرب به دنبال یک ایدولوژی بوده که بتواند به کمک آن بهشت را روی زمین بسازند.

“

است. در قرآن کریم آمده است: ما برای سلیمان کاری کردیم که از زمین چشمه مس می جوشید.

در روایتی آمده است: امام زمان تمام گزاره هایی که در دوران امامان و پیامبران بوده است را یک جا دارد.

صنایع تقویت می شوند؛ علم به نهایت رشد می رسد (علم ۲۷ حرف دارد که تا قبل از ظهور ۲ حرف آن کشف شده است). انحصارها شکسته می شود. امروز آمارهایی وجود دارد که ۸۵ درصد ثروت جهان دست ۱۵ درصد مردم است. در کتاب بیداری آفریقا ذکر شده است: درآمد کنگو که تحت سلطه بلژیک است؛ ۹۵۳۰۰۰۰ فرانک بوده که از این مقدار ۴۶ درصد آن دست تنها ۴ درصد جمعیت بلژیکی است. انحصار امروزه در دنیا بیداد می کند. بهترین و مرغوب ترین زمین های آفریقا دست اروپایی هاست. در واقع آفریقای ها عمده زمین های خودشان هستند.

بعد از جریان قتل عام ایرانیان که ۴۰ درصد جمعیت ایران از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۷ به خاک و خون کشیده شدند، آنچنان زمین ها خالی شد و کشاورزی مرد که یهودیان آمدند هکتار هکتار زمین خریدند و فنوودالیسم به معنا واقعی بر کشور ما حاکم شد.

مورد بعدی متوازن نمودن تولید و توزیع سرمایه در بازار کار است. این نگاه اسلام است. اسلام می گوید پولی که در دستمان است را قرض دهیم و خمس پول اضافه آمده را بپردازیم. دلیلش هم انباشته نکردن پول و توزیع آن به تولید و بازار کار... است.

خودکفایی جهانی صورت می گیرد. امروز آمریکایی ها اضافه تولید گندم خود را به دریا می ریزند که قیمت گندم بالا بماند و بتوانند گران بفروشند؛ در صورتی که مردم سومالی از گرسنگی می میرند.

امروز در جهان توزیع درست درآمد و تولید شکل نگرفته است. مردم به شدت مصرف گرا هستند. ترویج نیازهای کاذب به جایی رسیده است که به عنوان مثال در کشور خودمان هم بستنی هایی سرو می شود که روی آن پودر طلا می ریزند. در زمان ظهور رفتارهای مردم عقلانی می شود.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: او همه ثروت ها را به صورت مساوی تقسیم می کند و غنا و بی نیازی دل های امت محمد را لبریز می سازد و عدالت همه را فرا می گیرد.

تمام فقر ریشه کن می شود. عده ای رشد جمعیت را علت فقر فراگیر جهانی می دانند، در حالی که به عنوان مثال نقض می توان گفت: ژاپن از سال ۱۸۸۵ تا ۲۰۰۰، ۱۵۰ درصد افزایش جمعیت داشته است و میزان تولید مواد غذایی ۳۰۰ درصد رشد کرده است و اگر این سیستم در جهان اجرا شود، ۹۰ میلیارد انسان را می توان سیر کرد.

موضوع سوم، وضعیت کشاورزی می باشد.

امروز ما در کشور هندوستان به دلیل سوء مدیریت و ناکارآمدی علی رغم وجود خاک حاصلخیز و بی نظیر، بیشترین آمارهای فقر را شاهد هستیم.

امام علی (ع) می فرماید: در عهد حاکمیت مهدی هر آنچه از دانه های زراعی که بر زمین برافشانید، هفتصد برابر دشت می نماید. برای درک امکان وقوع مثالی می زنم: در هند از هر هکتار زمین، ۷ کنتال محصول برداشت می شود؛ در حالی که معادل همین در اروپای غربی ۴۵ کنتال محصول برداشت می شود. چرا؟ به دلیل وجود تکنولوژی در تولید.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: در اسلام هر کسی زمین مرده ای را زنده کند، صاحب آن زمین می شود.

قرآن کریم می فرماید: «یحی الارض بعد موتها» بسیاری از مفسران اعتقاد دارند که این آیه به زمان حکومت حضرت مهدی اشاره می کند.

امام صادق (ع) می فرماید: «هنگامی که مهدی ما ظهور می کند خانه های شهر کوفه به کربلا متصل می شود و شهر آنقدر گسترش می یابد که همه صاحب خانه می شوند.»

قرآن کریم در سوره اعراف می فرماید: اگر اهل آبادی ها به خدا ایمان آورند؛ درهای نعمت و رحمت خدا از آسمان وزمین بر آنها میبارد (یعنی این فقر موجود، نشانه بی ایمانیت).

موضوع چهارم، امنیت و آرامش در جهان است.

امروز ناامنی تقریباً سراسر جهان را فرا گرفته است. در جریان مدرنیسم ۱۵۰ میلیون انسان کشته شده اند. برخی منابع، کشته های جنگ جهانی اول و دوم را بین ۵۰ تا ۸۰ میلیون نفر تخمین زده اند. امروزه سیاست با اخلاق بیگانه است. همچنین در حکومت مهدی (عج) فاناتیسمی که امروز در میان ادیان جهان شکل گرفته (صهیونیسم در یهودیت، صهیونیسم در مسیحیت (ایونجیلیسم) و وهابیت در اسلام) از بین خواهد رفت.

هزینه های نظامی در جهان امروز بین ۹۰۰ میلیارد تا ۱ تریلیارد دلار است. اگر هزینه ۱۸ روز تولید سلاح های نظامی و جنگ ها کنار گذاشته شود، سوء تغذیه به طور کلی در جهان از بین می رود.

فلذا جامعه مهدوی جامعه ایست، دست یافتنی؛ حتی اگر معجزه ای در کار نباشد. شک نکنید بعد از هر جهلی، عقلی و بعد از هر کشتاری، آرامشی خواهد بود و منتظر آمدن آن روزها می مانیم؛ منتظری فعال و دغدغه مند ان شاء الله.

99

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: او همه ثروت ها را به صورت مساوی تقسیم می کند و غنا و بی نیازی دل های امت محمد را لبریز می سازد و عدالت همه را فرامی گیرد.

66

عباس، الگوی منتظران مهدی

اگر می‌خواهیم از منتظران و یاوران واقعی امام زمانمان بشیم همچون عباس ابتدا باید شأن و شخص امام را بشناسیم. در هیاهو و مشغله دنیای امروز آیا به راستی برنامه‌ای برای پیوند خود با امامان داریم؟ یا می‌خواهیم به مرگ جاهلیت بمیریم؟!

نشد، بلکه همراه امام شد. تسلیم بودن یعنی هر گامی امام بر می‌دارد ما هم همان گام را برداریم، نه اینکه بگوییم دلمان چه می‌گوید. تسلیم بودن یعنی خواسته امام را بر دیگران ترجیح دادن و این در وجود حضرت عباس (ع) موج می‌زد. به نحوی که از آغاز حرکت امام حسین (ع)، عباس (ع) در مقابل امام خویش سکوت محض بود. جز در شب عاشورا که با سخنانش، پروانه‌وار به دور شمع امامت چرخید.

نکته دوم درباره شخصیت رفتاری حضرت عباس (ع) این بود که ایشان «تصدیق» بودند، یعنی با جان و دل تمام مباحث را می‌پذیرفتند و این رفتار یک گام فراتر از تسلیم است. نمونه آن را می‌توانیم اینگونه مطرح کنیم؛ مثلاً گاهی فرزندان از روی اجبار حرف پدر و مادر را گوش می‌کنند و گاهی از دل و جان. حضرت عباس (ع) در مقام جان دادن و گوش فرا دادن به دستورات امام تصدیق‌گر بودند. یعنی هر آنچه خواست امام بود را با دل و جان قبول داشتند. حتی در زمانی که لازم بود، امام گفت میدان نرو، نرفت و اطاعت کرد.

شاید اوج این ویژگی در عباس (ع) آنجاست که دو دست مبارکش قطع شد و تیر بر چشمش نشست اما عباس

ما باشد. اگر می‌خواهیم از منتظران و یاوران واقعی امام زمانمان بشیم همچون عباس ابتدا باید شأن و شخص امام را بشناسیم. در هیاهو و مشغله دنیای امروز آیا به راستی برنامه‌ای برای پیوند خود با امامان داریم؟ یا می‌خواهیم به مرگ جاهلیت بمیریم؟! در ادامه زیارت نامه، امام صادق (ع) چهار صفت در وصف حضرت عباس (ع) به کار می‌برند که این اوصاف در وجود منتظران نیز باید تجلی پیدا کند.

می‌فرمایند:

«أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَدِيقِ وَالْوَفَاءِ وَالتَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»

«شهادت می‌دهم برای حضرتت به تسلیم و تصدیق و وفا و خیر خواهی، برای یادگار پیامبر.»

واژه‌های تسلیم، تصدیق، وفاداری و خیر خواهی برای همه ما آشنا هستند. ولی هرکدام از آنها تعریف‌های گوناگونی دارند. مثلاً اولین توصیف این است که حضرت می‌فرمایند: کسی می‌تواند یار امام باشد، که «تسلیم» بودن جزو ویژگی‌های اخلاقی باشد؛ یعنی فرد با تمام وجود تابع امام باشد. حضرت عباس (ع) هنگامی که دید امام حسین (ع) به سمت کربلا می‌رود، تنها به دعا کردن برای سلامتی امام مشغول

«سَلَامٌ لِلَّهِ وَسَلَامٌ لِمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تَعْتَدِي وَتَرْوُحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»

«سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش و پیامبران مرسلش و بندگان شایسته‌اش و همه شهیدان و صدیقان و دروذهای پاک و پاکیزه در آنچه می‌آید و می‌رود بر تو باد ای فرزند امیرمؤمنان.»

فراز بالا آغازگر زیارت نامه حضرت عباس (ع) است. ایشان تنها امام زاده‌ای هستند که نماز زیارت دارند. و هم چنین زیارت نامه ایشان از امام معصوم، امام جعفر صادق (ع) رسیده است و این خود نشان دهنده شأن و جایگاه والای حضرت عباس است. حال باید دانست که ایشان چه ویژگی‌هایی داشتند که اینگونه مورد احترام ائمه بودند؟ قطعاً الگویی مناسب برای یاوران امام غایب می‌باشند.

بارزترین ویژگی شخصیت حضرت عباس (ع) یار و یاور امام بودن است. چرا که عباس (ع) شاگرد مکتب علی (ع) است و با امامت آشناست، نسبت به شأن امام معرفت دارد و امام زمان خود را می‌شناسد. افق آرزوهای تشیع یاری امام زمان خویش است و پیوند با امام باید جزو برنامه ریزی‌های اصلی



”

بارزترین ویژگی شخصیت حضرت عباس (ع) یار و یاور امام بودن است. چرا که عباس (ع) شاگرد مکتب علی (ع) است و با امامت آشناست، نسبت به شأن امام معرفت دارد و امام زمان خود را می‌شناسد.

“

(ع) با جان و دل تا لحظه آخر مدافع مشک ایستاد، چرا که آوردن مشک آب، حکم امام زمانش بود.

مبحث سوم و ویژگی بعدی اخلاق حضرت «وفا» بود. همیشه می‌گوییم الگوی وفا حضرت ابوالفضل خب این به چه معناست؟ وفا یعنی در مقام یاری رساندن، همواره خود را بدهکار بدانیم نه طلبکار.

یکی از زمان هایی که بر عباس (ع) بسیار سخت گذشت آن زمان بود که دشمن برای ایشان امان نامه آورد. عباس (ع) سست نشد، مانند برخی ها تحلیل سیاسی نکرد که اگر امان نامه را بپذیرم و زنده بمانم، می‌توانم در آینده

عده و عده فراهم کنیم تا انتقام امام را از دشمن بگیرم. صبح عاشورا عباس (ع) از برادرانش بیعت گرفت که تا زمانی که زنده اند نگذارند امام زمانشان تنها بماند، عباس (ع) برادرانش را به میدان فرستاد و فدایی امام کرد.

نکته بعدی در رفتار حضرت «نُصَحِ به خلف نبی» است. در اینجا نصیحت برای امام؛ به معنای نصیحت کردن امام نیست بلکه به معنی خیرخواهی است. یعنی کار را زیباتر و بیشتر از

آنچه که خواستند، انجام بدهد. یعنی حضرت همواره خیرخواه بودند و همواره خیر دیگران را در نظر می‌گرفتند و خواسته دیگران را بر خواسته خود ترجیح می‌دادند و درصدد بودند دست

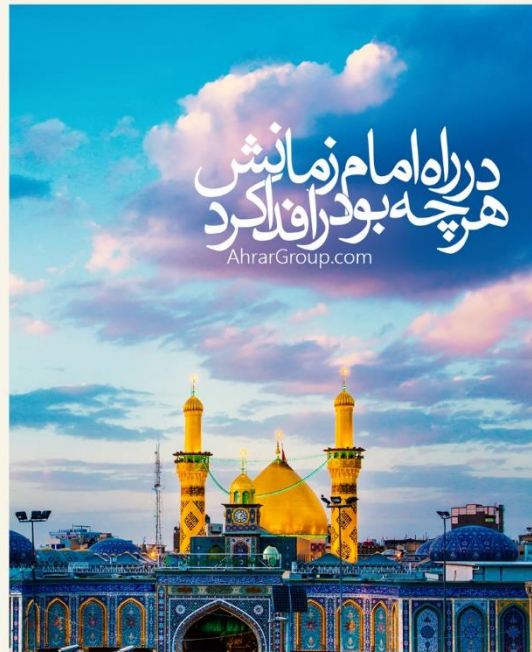
بندگان را در تمام مراحل بگیرند. امروزه نیاز به این ویژگی در منتظران یک جامعه مهدوی به شدت احساس می‌شود.

در ادامه زیارت نامه داریم:

«فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَّرْتَ»

«خدا از جانب پیامبر و امیرمؤمنان و حسن و حسین (دردو خدا بر ایشان) جزایت دهد، برترین جزا به خاطر این که صبر کردی.»

یکی دیگر از ویژگی های عباس (ع) صبر ایشان بود. با وجود جنگاوری و



شجاعت در روز عاشورا پس از به شهادت رسیدن علی اکبر (ع)، عباس (ع) با اینکه می‌توانست به دل دشمن بزند بر این مصیبت صبر کرد و حرف امام خود را زمین نگذاشت.

«فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي» یک عبارت دیگر در زیارت نامه که بسیار جالب توجه و تأمل است. «مواسی» واژه ای است که شاید معادلی برای آن نه تنها در زبان فارسی، بلکه در هیچ فرهنگ و ساختار اخلاقی وجود ندارد. مواسی یعنی اوج ایثار. چرا که در ایثار، شخص، حق یا دارایی خود را که دیگری ندارد به آن می‌بخشد؛ اما در مواسی، شخص از حق خود استفاده نمی‌کند چون طرف مقابلش آن را ندارد یا در حال حاضر امکان استفاده ندارد. آری عباس در کنار آب فرات به یاد لب خشک امام و فرزندانش افتاد و لب به آب نزد. برآستی چه کسی می‌توانست همچون ایثاری به خرج دهد.

عباس (ع) دریای فضائل و کرامات است، و چه زیبا امام صادق (ع) در زیارت نامه به این ویژگی ها اشاره می‌کنند. عباس (ع) دغدغه یاری امام زمان خود را داشت و در این راه، همه آنچه داشت را داد.

اکنون امام عصر (عج) قائم است، اما ما بی تفاوت نشسته ایم و دغدغه هایی داریم که ما را در این دنیا غرق و از امامان دور کرده است. وقتی امام در بین ما نیست ما باید در تلاش باشیم مقدمات

ظهور را فراهم کنیم. برآستی یکی از بهترین الگوهای منتظران و یاوران واقعی امام عصر (عج)، عباس (ع) است، ان‌شالله بتوانیم برای امام خود همچون عباس (ع) باشیم.

99

اکنون امام عصر (عج) قائم است، اما ما بی تفاوت نشسته ایم و دغدغه هایی داریم که ما را در این دنیا غرق و از امامان دور کرده است. وقتی امام در بین ما نیست ما باید در تلاش باشیم مقدمات ظهور را فراهم کنیم. برآستی یکی از بهترین الگوهای منتظران و یاوران واقعی امام عصر (عج)، عباس (ع) است.

66

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

« آزموده را آزمودن خطاست

« روش برای جهش

« در کوچه پس کوچه های جهاد

« جا مانده



آزموده را آزمودن خطاست

پزشکان بدون مرز یا جاسوسان بدون مرز!

خانم نقد علی



واقعه، باید پرسیم چرا در بین این تیم حتی یک متخصص عفونی هم نبوده و تنها دو پزشک عادی حضور داشتند؟! ما با داشتن مدافعان سلامتی که جان نثاری را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند، چه نیازی به چند پزشک و پرسنل عادی داریم؟ با داشتن چندین هزار تخت خالی چه نیازی به ۴۸ تخت داریم؟ چرا رسانه‌های وابسته به دلارهای سعودی و انگلیسی، BBC و برخی سیاستمداران مانند پمپئو این پزشکان را مورد دفاع خود قرار داده‌اند؟

با این دلایل و شواهد هر انسان عاقلی متوجه می‌شود این افراد کسی جز نیروهای جاسوسی آمریکا در لباس پزشکان نبودند؛ زیرا آمریکا به خوبی می‌داند که ورود اتباعش به ایران ممنوع است، بنابراین، این ماموریت را به مأموران آمریکایی با تابعیت کشورهای اروپایی سپرده است تا گزارش دقیقی از میزان اثر ویروس بر ژن ایرانی را تهیه و به آمریکا ارائه کنند.

در گروه پزشکان بدون مرز که به ایران اعزام شده بودند هیچ متخصص عفونی یا مرتبط با کرونا حضور نداشت.» همچنین ایشان گفتند: «یک پزشک اورژانس و میزان کمی تجهیزات مصرفی که تولید داخل هم دارد و داروهایی که خاص و تحریمی هم نبود که به کاهش اثرات تحریم کمک کند وارد کشور شدند.»

از طرفی، هرچه جلوتر می‌رویم رد پای این تیم را در ادلب، مرکز حضور گروه‌های تروریستی وابسته به داعش و القاعده، می‌یابیم. تیمی که بشار جعفری، نماینده سوریه در سازمان ملل، درباره آن به صراحت اعلام کرد که: «این گروه جاسوسان بهداشتی وابسته به سازمان اطلاعات فرانسه هستند.»

از این‌ها که بگذریم، هنوز جای زخم خون‌های ارسالی آلوده به ایدز فرانسه که در دهه‌های اخیر ۹۰۰ بیمار هموفیلی را مبتلا به ایدز کرد، درد می‌کند. در پایان و با جمع‌بندی کامل این

یکی از خبرهایی که در این ایام کرونایی حواشی زیادی به دنبال داشته و اظهارنظرهای مختلفی درباره آن صورت گرفته، خبر ورود پزشکان بدون مرز به ایران است. این روزها با اینکه فرانسه خود در کرونا دست‌وپا می‌زند و در اوایل جدول کرونا قرار دارد به ایران پیشنهاد کمک داده است.

با تحقیقات و بازدید از این تیم پزشکی معلوم شد آن‌ها قصد برپایی درمانگاه ۴۸ تختخوابی را داشته‌اند؛ درمانگاهی که در شرایط کنونی که ایران چند هزار تخت بیمارستانی خالی دارد و همچنین در برابر مجتمع بیمارستانی و نقاهتگاه دو هزار تختخوابی که روزهای گذشته برپا شده است؛ هیچ محسوب می‌شود.

به علاوه به گفته وزیر بهداشت، ده هزار تخت خالی از سوی نیروهای مسلح و دستگاه‌های دیگر برپا شده است، پس عملاً این درمانگاه ۴۸ تختخوابی به کجای کار ما می‌آید؟ از سمت دیگر آقای وهاب زاده، مشاور وزیر بهداشت، می‌گویند:»

»

آقای وهاب زاده، مشاور وزیر بهداشت، می‌گویند:» در گروه پزشکان بدون مرز که به ایران اعزام شده بودند هیچ متخصص عفونی یا مرتبط با کرونا حضور نداشت.»

»

روش برای جهش

مصاحبه با دکتر طغیانی، استاد دانشگاه و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان و منتخب مردم در مجلس یازدهم پیرامون جهش تولید

باید بتواند روی کار خود حساب کند. وقتی اینها مرتب در حال تغییراند امکان برنامه ریزی برای او سلب می‌شود و اینگونه به تولید ضربه می‌زنیم. بنابراین اولین بستر، ثبات است.

بستر دوم مزیت بازارهای غیر مولد رقیب تولید را از بین ببریم. برای تولید کننده الان تولید با مشقت‌های مختلفی همراه است. در حالی که مثلاً بازار طلا و جواهر ورود و سرمایه گذاری برای آن خیلی جذاب است. و نیاز به مجوز و مالیات و... ندارد. در بازار ارز واسطه گرانی که سفته بازی می‌کنند و مرتب سرمایه های سرگردان را جهت می‌دهند به این بازار، آن را خیلی جذاب می‌کنند. نتیجه این می‌شود که تولید کننده با هزار و یک مشکل مواجه است درحالی که بازار رقیب بدون مشکل و با عایدی خوب در جریان است. بنابراین او هم تصمیم می‌گیرد هرچه در تولید سرمایه گذاری کرده آزاد کند و به این بازارها بیاورد و احساس می‌کند کاری که می‌کند عاقلانه نیست. در حالی که بسترهای اقتصادی ایران نباید به این شکل باشد که تولید در آن صرفه نداشته باشد ولی سفته

به شکل جدی مهمترین رکنی که می‌تواند به آن بپردازد و پیاده کند بحث توجه به تولید کردن است. لذا علت اینکه عنوان امسال جهش تولید نام گرفته همین است.

- بسترهای لازم برای جهش تولید و موانع پیش رو برای تحقق شعار این سال چیست؟

برای اینکه تولید و جهش تولید اتفاق بیفتد از یک طرف نیاز به برداشتن موانع سرراه تولید است و اینکه فضای کسب و کار بهبود پیدا کند و جاهایی که خود دولت سر راه تولید قرار گرفته یا پس بکشد و آن جاهایی که باید حمایت کند، حمایت کند. مثال بارز آن اعطای مجوز هاست که الان در بحث اعطای مجوز های کسب و کار و بعداً وقتی کسب و کارها راه می‌افتد در بحث حمایت موثر از آنها مشکل داریم.

نکته دوم اینکه اگر بخواهد تولید در اقتصاد ایران اتفاق بیفتد نیازمند ثبات است. در اقتصاد کشور دچار انواع بی ثباتی‌ها و متغیرهای کلیدی هستیم. نرخ تورم و نرخ ارز متغیرهایی هستند که اگر بخواهد تولید شکل بگیرد و تولید کننده برنامه ریزی درستی داشته باشد

- علت نامیدن شعار امسال به جهش تولید چیست؟

۱۰ سال است که درگیر جنگ اقتصادی دشمن هستیم. این دهه اغلب سال‌ها با شعارهای اقتصادی و با رویکرد کلی و راهبرد کلی که اقتصاد مقاومتی است نامگذاری شده است و یا مستقیم با عنوان اقتصاد مقاومتی و یا با زیر مجموعه‌ها و ارکان اقتصاد مقاومتی. سال گذشته و امسال بر رکن مهم تولید تاکید شده که پارسال با عنوان رونق تولید و امسال با عنوان جهش تولید تاکید شده است برای اینکه مهمترین رکن برای عبور از دشواری‌هایی که فعلاً در اقتصاد ایران است توجه جدی به تولید در اقتصاد کشور است و واقعیت هم این است که الان مسائلی از جمله بیکاری، رکود، تنگناهای معیشتی و... وجود دارد که این‌ها بدون اینکه تولید در کشور رونق پیدا کند و جدی گرفته شود رفع شدنی نیست. سالیانی با فروش نفت و به تعبیری با دوپینگ اقتصاد کشور را اداره می‌کردیم. اثری که تحریم روی کشور گذاشته این است که ما را از درآمد نفتی محروم کرده و اقتصاد کشور باید روی پای خودبایستد و

خانم شاددل



”

سالیانی با فروش نفت و به تعبیری با دوپینگ اقتصاد کشور را اداره می‌کردیم. اثری که تحریم روی کشور گذاشته این است که ما را از درآمد نفتی محروم کرده و اقتصاد کشور باید روی پای خودبایستد و به شکل جدی مهمترین رکنی که می‌تواند به آن بپردازد و پیاده کند بحث توجه به تولید کردن است.

“

بازی ارزش داشته باشد. بنابراین ابتدا موانع تولید را برداریم و فضای کسب و کار را بهبود دهیم و دولت حامی تولید باشد و سپس رقبای تولید از میدان به در شوند.

از نظر شما وضع یا نظارت بر اجرای کدام قوانین برای تحقق شعار سال اولویت دارد؟

در بحث تولید قوانین خوبی وجود دارد مثل قانون حداکثر استفاده از توانمندی های داخلی که در پیمانکاری ها وجود داشت و قانون تکلیف کرده که بیشتر سعی کنیم از تولیدات داخلی استفاده کنیم. یا قانون حمایت از تولید داخل و استفاده از کالای ایرانی که دولت را مکلف می کند کالای ایرانی مصرف کند...

در کنار این قوانینی هم داریم مثل قانون مبارزه با پولشویی که سعی می کند با رصد کردن مبادا و مقصد پولهایی که جابه جا می شود پولها را از اینکه وارد سفته بازی شوند رصد کند و سیاست گذار بتواند مانع شود، ولی متأسفانه این قوانین هیچکدام به خوبی اجرا نمی شوند ضمن اینکه یکسری ضعف قوانین نیز وجود دارد یعنی باید قوانینی را وضع کنیم. مثلاً قانونی که باید به شکل جدی به آن پردازیم قانون مالیات بر عایدی سرمایه است (CGT). قوانینی که مصوب شده اجرا نمی شود و باعث سفته بازی شده مثلاً یکی از آنها قانون مالیات بر خانه های خالی است. اینها قوانینی است که بعضی از

آنها نیازمند تصویب است و برخی نیازمند اجرا و نظارت خوب است. اگر این قوانین به نحو احسن وضع و اجرا شوند رفته رفته کمک جدی به فضای تولید می شود و تولید در اقتصاد ایران رونق پیدا می کند.



آیا برای اینکه جهش تولید محقق شود نیاز به وضع قوانین جدید هست؟

برای جهش تولید قطعاً نیازمند قوانین جدیدی هستیم. برخی مثل مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر سرمایه گذاری های غیر مولد، اصلاح برخی قوانینی که وجود دارد و اشکال سر راه تولید ایجاد کرده نیازمند وضع قانون است. مواردی مثل مالیات بر تراکنش های کلان ارزی و ریالی که معمولاً باعث نوسان بازار ارز می شود، به خاطر اینکه معمولاً هجوم های ارزی با این تراکنش های بالا اتفاق می افتد، مالیات بر سپرده های کلان بانکی که از جمع شدن سپرده ها در حساب های بانکی جلوگیری می کند و سعی می کند آنها را به حوزه تولید سوق دهد. مالیات بر مجموع درآمد که هر کدام از این موارد می تواند از اقتصاد ایران گره گشایی کند.

برای افرادی که در حوزه های متعدد سرمایه گذاری کرده اند و از مواهب اقتصاد کشور به بهترین نحو استفاده می کنند ولی هیچ عایدی به اقتصاد ایران منتقل نمی کنند و به مردم و دولت برای هزینه کردن در اقتصاد مالیات نمی پردازند، مالیات بر مجموع درآمد خیلی کمک کننده است. اینها مواردی است که باید وضع شود تا اقتصاد ایران قدری سروسامان پیدا کند. اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا از اولویتهاست به خاطر اینکه متأسفانه این قانون آن کمکی که باید به تولید بکند برخلاف هدفی که برایش تعیین شده را نمی کند و متأسفانه خود آن یکی از موانع تولید است.

برای تحقق جهش تولید کدام یک از سیاست های کلی و کلان اقتصادی باید تغییر کرده و اصلاح شوند؟ نقش مجلس در این امر چیست؟

خیلی از سیاست های کلی تصویب شده ولی اجرا نمی شوند و در قوانین این سیاست ها را نمی بینیم. متأسفانه ما در سیاست های کلان در حوزه شعار و گفتار خیلی سیاست هایی را اعلام می کنیم ولی آن چیزی که باید در عمل اجرا شود متأسفانه اتفاق نمی افتد. و نقش مجلس این است که همه ی تلاشش را بکند تا سیاست های کلی نظام در حوزه تولید مثل سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست کلی حمایت از کار و سرمایه، سیاست کلی اشتغال

”

خیلی از سیاست های کلی تصویب شده ولی اجرا نمی شوند و در قوانین این سیاست ها را نمی بینیم. متأسفانه ما در سیاست های کلان در حوزه شعار و گفتار خیلی سیاست هایی را اعلام می کنیم ولی آن چیزی که باید در عمل اجرا شود متأسفانه اتفاق نمی افتد.

“

و... در قوانین و مقررات وارد شوند و خودشان را نشان دهند و ثانیاً این‌ها کاملاً در حوزه‌ی اجرا هم پیش بروند.

– به نظر شما دیپلماسی اقتصادی و روابط با سایر کشورها چگونه باید تنظیم شود تا به جهش تولید کمک کند؟ مجلس در این زمینه چگونه می‌تواند عمل کند؟

اصلاً اولویت دستگاه دیپلماسی ما در کل دنیا در نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور اقتصاد نیست. اگر واقعاً اقتصاد اولویت بود یکی از ملاک‌های موفق بودن یا نبودن آن رایزن و سفیر ما در کشورهای مختلف باید موفقیت اقتصادی ما در آن کشور می‌بود ولی متأسفانه این‌ها اساساً جزء اولویت‌ها و شاخص‌ها نیست. خیلی کارها باید دستگاه دیپلماسی در حوزه اقتصاد انجام دهد تا بتواند به تولیدکننده‌ها در بازاری شناسی و در به دست آوردن سهم کمک کند و هم با کشورها در سطح بالا رایزنی کند برای اینکه موانع پیش‌روی تجار ما برداشته شود. ما الان دفاتر تخصصی در حوزه بازرگانی و تجارت در بعضی از بازارهای هدف تشکیل نداده‌ایم، کشورهایایی مثل کره، ژاپن، اتحادیه اروپا و... این دفاتر را دارند. دستگاه دیپلماسی ما از این موارد غافل است و کاری که مجلس می‌تواند بکند این است که در این حوزه به شکل جدی‌تر وارد شود و اگر نیاز به قوانین دارد مصوب کند و اگر نیاز به نظارت قوانین و حرکت دادن

مسئولین اجرایی دارد این کارها را انجام دهد.

– شما برای تحقق این هدف چه برنامه‌هایی دارید؟

هرآنچه که در سوالات قبلی گفته شد جزء برنامه‌های ماست. برنامه‌هایی مثل تصویب قوانینی که بتواند سوداگری را مهار بکند، تصویب قوانینی که بتواند کسب و کارها را آزادتر بکند و موانع را از پیش‌پای آنان بردارد.

– آیا کسب و کارهای کوچک و خانگی می‌توانند در تحقق این امر نقش داشته باشند؟

بله قطعاً، ما مدلهایی را در بعضی از کشورهایی که در حوزه اقتصادی در سال‌های اخیر موفقیت‌هایی داشته‌اند را دیده‌ایم که سعی می‌کنند از ظرفیت کسب و کارهای خانگی و خرد استفاده بکنند و کالاهایی را در زنجیره تولیدشان از این کسب و کارهای خانگی تامین می‌کنند، این کسب و کارها با اشتغال بالا می‌توانند عمل بکنند و به خصوص برای اقشار محروم جامعه می‌توانند خیلی گره‌گشا باشند و کاملاً می‌توانند در هدف رونق و جهش تولید موثر باشند.

– دانشجویان و تشکلهای دانشجویی برای تحقق این هدف چه نقشی دارند؟

اولین نقش تشکلهای دانشجویی برای این هدف تبیین است. تبیین اینکه تولید در اقتصادهای موفق

دنیا چقدر توانسته گره‌گشایی کند و اساساً بدون تولید و بدون رونق پیدا کردن تولید و بدون جدی گرفتن تولید در اقتصاد کشورها هیچ اتفاق خوبی نیفتاده است. اینکه ما فکر بکنیم که اینطور به جامعه القا شود که ما اگر با فروش بیشتر نفت می‌توانیم زندگی بهتری داشته باشیم این کاملاً باید از اذهان مردم زدوده شود. ما فقط و فقط وقتی می‌توانیم زندگی بهتری داشته باشیم که بتوانیم تولید بیشتری داشته باشیم و اینکه مردم، مردم مولدی بشوند با بهره‌وری بالا در هر زمینه‌ای، سعی بکنیم از این ورودی‌ها و مواهبی که خداوند در اختیار ما قرار داده استفاده بکنیم برای اینکه هم خودمان بهره‌مند شویم و هم اینکه دیگران را بهره‌مند بکنیم و یک‌زمانی هم بخشی از این تولید را صادر می‌کنیم و در ازای آن نیازمندی‌هایمان را وارد می‌کنیم.

دوم اینکه جایگاه خودشان را در آینده‌ی تولید و اقتصاد کشور روشن بکنند و سعی بکنند به بهترین نحو ممکن خودشان را به لوازم آن مجهز بکنند، تولید آینده تولید مبتنی بر دانش و مهارت و فناوری است به این‌ها بپردازند و به شکل جدی روی آن‌ها فکر بکنند. ما فقط و فقط زمانی می‌توانیم به اهدافمان برسیم و اقتصاد سربلند و قدرتمندی داشته باشیم که اقتصاد ما بر محور تولید و بر محور تولید مبتنی بر دانش حرکت کند.

99

تولید آینده تولید مبتنی بر دانش و مهارت و فناوری است دانشجویان باید به عنوان اولویت به این‌ها بپردازند و به شکل جدی روی آن‌ها فکر بکنند. ما فقط و فقط زمانی می‌توانیم به اهدافمان برسیم و اقتصاد سربلند و قدرتمندی داشته باشیم که اقتصاد ما بر محور تولید و بر محور تولید مبتنی بر دانش حرکت کند.

66

۱۲

در کوچه پس کوچه‌های جهاد

خاطرات آقای مسلم نبی پاسدار فعال در عرصه‌های جهادی

هنوز هم با هم در ارتباط هستیم، هنوز هم ذوق و شوق بچه‌ها را موقع دیدن ما به یاد دارم، آنها بسیار خوشحال بودند که کسانی با لباس‌های نظامی به شهر آنها رفته بودند تا کمکشان کنند، یک روز ما به مدرسه‌ای در این استان رفتیم و لباس‌هایی را که مقام معظم رهبری به عنوان هدیه برای آنها فرستاده بود را به دست بچه‌ها رساندیم، سر صف به بچه‌ها گفتم که این لباس‌ها هدیه رهبرمان به شماست و از آن‌ها پرسیدم که رهبر ما چه کسی هستند؟ همه بچه‌ها یک صدا گفتند: امام حامنه‌ای (سیستانی) هاخ را ح تلفظ می‌کنند) من همینطور مبهوت بودم که این بچه‌ها در شهری مرزی چگونه با عزت و احترام رهبر خود را امام می‌نامند.

– ما نمرودیم کسی صحبت غارت بکنند...

من همیشه عاشق زمان دفاع مقدس بودم، و همیشه حسرت می‌خوردم که نتوانسته‌ام آن زمان را درک کنم، زمانی که خاطرات جبهه و جنگ را می‌خواندم شیفته آن دوران و آن جمع‌های خالصانه می‌شدم، تا اینکه خدا دفاع از حرم را روزی من قرار داد.

گذشتیم، یکی از خاطرات بسیار زیبای این سفر در جاده کاشان-گلپایگان رقم خورد، حدود ساعت ۲ بامداد بود که در کنار جاده چند نفر را دیدیم که پرچم تکان می‌دهند، ایستادیم تا جواب بندگان خدا را بدهیم، تریلی حامل پیکرها در پشت سر ما می‌آمدند به آنها هم خبر دادم که بایستند، یکی از آن افراد آمد جلو و گفت: «حاجی ما شنیده بودیم که کاروان شهدا امروز از اینجا می‌گذرند برای همین از نماز مغرب تا کنون منتظر شما بودیم که بتوانیم ۵ دقیقه شهدا را زیارت کنیم.» دلم شکست سریع گفتم چرا ۵ دقیقه! مداح کاروان را صدا زدم به او گفتم الان چه روضه‌ای می‌چسبید؟ پاسخ داد: «تاریکی هوا، غربت، تشیع شبانه فقط یاد آور روضه حضرت مادر سلام الله علیها است.» و شروع کرد به خواندن انصافاً بهترین روضه کاروان هم همان روضه نیمه شب بود.

– دوست آن است...

در همان سال ۱۳۹۴ بود که برای کمک و محرومیت زدایی به استان سیستان و بلوچستان رفتیم، سوغات من از آن سفر چند دوست اهل سنت است که بسیار جوانان خوبی هستند و

– اولین‌ها

از کودکی دوست داشتم پاسدار شوم، همیشه لباس‌های پدر را به تن می‌کردم و چکمه‌های نظامی‌اش را به پا می‌کردم، سال‌ها در این آرزو بودم تا بالاخره در سال ۱۳۸۱ وارد سپاه شدم. یکی از شیرین‌ترین خاطراتم مربوط به پوشیدن لباس خدمتم بود لباسی به رنگ سبز. تا خواستم لباس را بپوشم به یاد خاطره‌ای از یک شهید افتادم لباس را زمین گذاشتم و به چند تا از رفقا تلفن زدم، وقتی آمدند با هم وضویی گرفتیم و بعد از توسل به ائمه لباس‌ها را به تن کردیم، آنجا بود که برای اولین بار خود را در هیبت یک پاسدار در آینه دیدم.

– بدرقه یاران

مدت کوتاهی بود که در لشکر فعالیت فرهنگی خود را آغاز کرده بودم، جلسه‌ای تشکیل شده بود تا برای تشییع پیکر حدوداً ۳۰ شهید غواص برنامه ریزی شود. با اصرارهای من پذیرفتند که ما مسئولیت کاروان شهدای غواص را بر عهده بگیریم. پیکر شهدا را در چند تریلی قرار دادیم و حرکت کردیم و شهر به شهر

خانم قاسمی



99

در همان سال ۱۳۹۴ بود که برای کمک و محرومیت زدایی به استان سیستان و بلوچستان رفتیم، سوغات من از آن سفر چند دوست اهل سنت است که بسیار جوانان خوبی هستند و هنوز هم با هم در ارتباط هستیم.

66

زمانی که سوار هواپیما شدیم تا به دمشق برویم هنوز در ناباوری به سر می‌بردم تا اینکه در آسمان عراق خلبان شروع به صحبت کرد: سلام ای مدافعان حرم حضرت زینب سلام الله علیها. حس عجیبی به من دست داد حسی که نمی‌توان توصیفش کرد. خلبان ادامه داد: مدافعی که در حال پرواز به سمت حضرت زینب هستید الان سمت راست شما امیرالمومنین است کمی بعد گفت در سمت چپ شما ابا عبدالله است خوشا به حالتان اکنون امام حسین نظاره گر شماست. خلبان به گریه افتاد، همسفران هم چشمانشان گریان شد، حال و هوای هواپیما بسیار عجیب بود.

– دیدم که جانم می‌رود...

سخت ترین تشییع پیکری که شرکت کردم تشییع دوست و رفیق همراه شهید جواد محمدی بود، من و جواد همیشه همراه یکدیگر بودیم و الان چقدر جای خالی او حس می‌شود. در زمان تشییع پیکر جواد همه می‌گفتند او را باید سریع به خاک بسپاریم تا پیکر بو نگیرد ولی من و چند تا از رفقا با فوم تابوت را تبدیل به سردخانه ای کردیم که خدای ناکرده پیکر بو نگیرد البته که پیکر شهید بو نمی‌افتد ولی برای آسودگی مسئولین این کار را کردیم، لحظه ای که تابوت را در دست گرفتیم، لحظه بسیار سختی برای من بود چرا که جواد، رفیقم، دوست بسیار با معرفتم سر دست بود. جواد در دوستی برای هیچ کس کم نمی‌گذاشت و حتی برخی

مواقع دیگران را با توجهش شرمند می‌کرد.

روزی کنار یکدیگر نشسته بودیم که تلفن جواد زنگ خورد وقتی می‌خواست تماس را وصل کند دیدم که شماره را با کد ۷۲۱ ذخیره کرده گفتم: جواد! کد گذاشته ای؟! ولی او اشاره کرد که صبر کن خلاصه از لحن صحبتش متوجه شدم که همسرش تماس گرفته بودند وقتی قطع کرد گفتم: جواد! این چه نامی است؟! همه همسرانشان را با نام های زیبایی ذخیره می‌کنند. جواد لبخندی زد و گفت: بگذار تا این کد را برایت بازکنم هفت یعنی در هفت آسمان، دو یعنی در دو دنیا، یک یعنی یه دونه‌ای.

زمانی که خبر شهادت جواد را شنیدم این خاطره برایم تداعی شد.

من علاوه بر شهید محمدی با شهید شاه سنایی و خیزاب هم دوستی محکمی داشتم و همینطور شهید اسحاقیان و بسیاری از شهدایی که از هم دوره‌ای ها بودند، ویژگی مشترک همه آنها اخلاص بود، همیشه سعی می‌کردند مخلص باشند، به نظر من مهم ترین فاکتورهای شهادت اخلاص و اشک بود.

– با یاری خدا کرونا را شکست خواهیم داد...

این روزها جای خالی جواد در اکیپ ضدعفونی کننده مان خیلی خالی است، این روزها جهاد در حوزه سلامت معنا پیدا کرده و ما وظیفه داریم که در این راه قدم بگذاریم، ولی به هر شکلی که می‌توانیم برخی

افراد به پایگاه‌های سلامت می‌روند و در تولید لوازم و تجهیزات کمک می‌کنند، برخی در ضد عفونی سطح شهر حضور دارند و برخی دیگر با ماندن در منزل کمک می‌کنند.

– پویا بودن وظیفه جوانان است...

حضرت اقا در رابطه با وظایف جامعه دانشجویان مفصل صحبت کرده اند و به ما راه را نشان داده اند، وظیفه دانشجویان حفظ پویایی است که این همان عامل پیش برنده اوست.

همانگونه که دیدیم برخی دانشجویان با پیوند دادن علم و عمل حرکت را آسان می‌کنند مانند آن جوانان عزیز گلپایگانی که

وسیله ای برای تبدیل آب به آب اکسیژنه ساختند تا بتوان به بهترین نحو ضدعفونی را انجام داد.

– نکته آخر...

کار جهادی فقط مبارزه در جبهه های جنگ نیست. زمانی که امام امت عنوان جهاد را به فعالیت نسبت می‌دهند آن کار، جهاد است. گاهی این جهاد مقاومت در جبهه های نبرد است، گاهی کمک به مردم مناطق سیل زده و زلزله زده است و حتی گاهی حفظ

مرزها در جنگ های نرم است و امروز خدمت برای سلامت مردم. این وظیفه ماست که سربازی آماده به خدمت باشیم.

99

کار جهادی فقط مبارزه در جبهه‌های جنگ نیست. زمانی که امام امت عنوان جهاد را به فعالیت نسبت می‌دهند آن کار، جهاد است. گاهی این جهاد مقاومت در جبهه های نبرد است، گاهی کمک به مردم مناطق سیل زده و زلزله زده است و حتی گاهی حفظ مرزها در جنگ های نرم است و امروز خدمت برای سلامت مردم. این وظیفه ماست که سربازی آماده به خدمت باشیم.

66

جا مانده

خاطرات ابوالقاسم ظهیری، جانباز مدافع حرم

خانم سلیمانی



99

به شما دانشجویان و اعضای تشکل‌ها توصیه می‌کنم در کارها اخلاص و صداقت داشته باشید و با دیگران روراست باشید اگر این کار را بکنید دیگران به شما اعتماد کرده و کارها به خوبی پیش می‌رود.

66

– راهی راه حسین(ع)

اواخر اردیبهشت سال ۹۵ بود که عازم شدم، اوایل همسرم مخالفت می‌کردند و می‌گفتند: باید بالای سر بچه‌ها باشی، مخالفت ایشان کاملاً طبیعی بود. من دو فرزند داشتم و همسرم باردار بودند. وقتی نیت الهی باشد خدا خودش کار را پیش می‌برد. همسرم راضی شدند و حتی حاضر شدند باردار بودن خود را مخفی کنند تا برای اعزام من مشکلی پیش نیاید.

در سوریه جو بین رزمندگان دوستانه و با نشاط بود و در آنجا احساس غربت نمی‌کردیم، همه داوطلبانه به یکدیگر کمک می‌کردند.

– خداحافظ رفیق

من بیشتر با شهید مهدی اسحاقیان رفیق بودم. حتی یک بار هم اتفاق نیفتاد که من برای نماز صبح از خواب بیدار شوم و ببینم آقا مهدی خواب است. همیشه زودتر از بقیه برای نماز شب و نماز صبح بیدار می‌شد.

صبح روزی که آقا مهدی شهید و من

به شدت مجروح شدم آقا مهدی از من تعداد فرزندانم را پرسید، وقتی فهمید من سه فرزند دارم گفتند که حیف شد می‌خواستیم دعا کنیم تو هم شهید شوی اما الان دعا نمی‌کنم چون باید بالای سر زن و بچه‌هایت باشی.

عصر همان روز قرار بود با ماشین برای کاری بروم، تنها بودم، فرمانده رفتند تا یکی از نیروها را صدا بزنند که همراه من بیاید، ماه رمضان بود و افراد تازه از عملیات برگشته بودند همه خسته بودند، کسی حاضر نشد همراه من بیاید، ناگهان آقا مهدی از راه رسید وقتی موضوع را فهمید قبول کرد همراه من بیاید.

وقتی حدود ۱۵ کیلومتر جلو رفتیم یک خمپاره به سمت ما شلیک شد، من راننده بودم و خمپاره به سمتی خورد که من بودم، ترکش‌های خمپاره چرخ‌های ماشین را ترکاند، سعی کردم ترمز بگیرم که متوجه شدم پاهایم حس ندارند من قطع نخاع شدم. ترمز دستی را کشیدم و ماشین ایستاد و آقا مهدی در آغوش من افتاد، ترکش‌ها از کنار

من رد شدند و به صورت و پهلوی آقا مهدی خوردند، آقا مهدی در آغوش من شهید شد که به آن افتخار می‌کنم؛ اما اکنون حسرت این را می‌خورم که ای کاش من هم شهید شده بودم.

شهادت شهادت و شجاعت زیادی داشتند که حاضر شدند جان خود را فدا کنند ولی من این شجاعت را نداشته و باعث شد جانباز شوم اما الان حسرت آن زمان را می‌خورم و آرزوی شهادت دارم و یکی از علت‌هایش دلتنگی برای رفقایم به خصوص شهید مهدی اسحاقیان است.

ویژگی‌های بارز شهید اسحاقیان اخلاص، سخت کوشی و خوش اخلاقی ایشان بود.

– از من به شما

به شما دانشجویان و اعضای تشکل‌ها توصیه می‌کنم در کارها اخلاص و صداقت داشته باشید و با دیگران روراست باشید اگر این کار را بکنید دیگران به شما اعتماد کرده و کارها به خوبی پیش می‌رود.